

بیش از ۶۷ درصد مردم افغانستان بر این باورند که حکومت وحدت ملی برای رسیدگی به مشکلات عمده در افغانستان به اندازه کافی کار نکرده است و حدود ۷۴ درصد معتقدند در زمینه کاهش فساد در هیچ یک از نهادهای دولتی پیشرفتی حاصل نشده است

بالاتر از سطوح قبلی بوده است. در ارزیابی سال ۲۰۰۹ که به سفارش سازمان همکاری‌های اقتصادی و عمرانی (OECD) صورت گرفت، در مورد این موضوع که «فساد به سطوحی رسیده است که در دولت‌های قبلی دیده نمی‌شد» هشدار داده است (OECD ۲۰۰۹ a). همچنین در این گزارش به این نکته اشاره شده است که نگرش جامعه افغانستان نسبت به فساد تغییر کرده و به جای انگ رشوه زدن از آن چشمپوشی می‌کند. رهبران تجاری افغانستان می‌گویند فساد و رشوه امری «فراگیر، پذیرفته شده و حتی تشویق شده» است، در حالی که در سال‌های گذشته در مورد این موضوعات احساس شرمساری بیشتری وجود داشت (سیگار ۲۰۱۶).

نظرسنجی دفتر مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد (UNODC) در سال ۲۰۱۲ این یافته‌ها را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد فساد به طرز فزاینده‌ای در روبه‌های اجتماعی گنجانده و فامیل بازی و رشوه تبدیل به بخش قابل قبولی از زندگی روزمره مردم شده است. به عنوان مثال ۶۸ درصد از شهروندان افغان افزایش حقوق پایین یک کارمند دولتی را با دریافت رشوه‌های کوچک از کاربران خدمات قابل قبول دانستند (در مقایسه با ۴۲ درصد در سال ۲۰۰۹). همچنین بعضی از شهروندان گاهی اوقات پذیرش یک کارمند دولتی بر اساس فامیل بازی و شبکه‌های دوستانه را قابل قبول دانستند (از ۴۲ درصد در سال ۲۰۰۹) (UNODC ۲۰۱۳).

به احتمال قوی این افزایش آشکار در سطوح فساد و تحمل آن توسط مردم به استقرار سریع نظام حکومتی فوق العاده متمرکز پس از توافق ۲۰۰۱ بون در کشوری برمی‌گردد که از لحاظ تاریخی مرکزیت در آن جای چندانی ندارد و ساختارهای اجتماعی و سیاسی آن با روابط مبتنی برزبان، قبیله، منطقه و قومیت تعیین می‌شوند. در نتیجه خطوط بین منافع عمومی و خصوصی پشت این ساختارهای رسمی تازه تأسیس قرار گرفتند و به طرز فزاینده‌ای مبهم شدند، زیرا مقامات دولتی شبکه‌های حمایتی خود را تشکیل دادند و در برخی موارد در قاچاق مواد مخدر شریک شدند (سیگار الف ۲۰۱۶).

فساد خرد و بوروکراسی (دیوان سالاری)

به گفته دیده بان صداقت افغانستان (۲۰۱۴) با ابراز اطمینان زیاد شهروندان افغانی مبنی بر اینکه رشوه می‌تواند روبه‌های بوروکراتیک (دیوان سالارانه) را تسهیل کند، فساد در این کشور نهادینه شده است. ۳۴ درصد از کسانی که خانواده‌هایشان رشوه پرداخته بودند اظهار داشتند رشوه کمک کرده است تا خدمات عمومی مورد نظرشان را دریافت کنند.

در همین حال صاحبان مشاغل پس از بی‌ثباتی فساد را بزرگ‌ترین مانع بر سر راه فعالیت‌های تجاری خود معرفی کردند. صاحبان ۴۷ درصد از کسب و کارها پرداخت حداقل یک بار رشوه را گزارش داده‌اند که بسیار بالاتر از میانگین ۲۵ درصدی آسیای جنوبی است. ۴۷ درصد نیز اظهار کردند برای به دست آوردن قراردادها دولتی احتمالاً هدایایی خواهند داد. سایر روبه‌های بوروکراتیک (دیوان سالارانه) که بخصوص در برابر این پدیده آسیب‌پذیر بودند عبارت بودند از اتصال به شبکه آبرسانی (۷۹ درصد)، اخذ مجوز ساخت و ساز (۶۰ درصد)، اتصال به شبکه برق (۵۳ درصد) (بانک جهانی ۲۰۱۴).

در اغلب موارد رشوه برای دستیابی به خدمات بهتر و سریع‌تر پرداخت می‌شود، در حالی که در موارد دیگر پرداخت رشوه قرار است بر تصمیم‌گیری‌هایی چون مسائل مربوط به پلیس یا قوه